



قاچاق اعضاء بدن انسان در ايران و اسناد بين الملل

۱عباس خواجه صالحانی ، ۲ مهدی مهرپور خامنه

۱ وکیل دادگستری و دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی asalehany@gmail.com
 ۲ وکیل دادگستری و دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی Mehrpour6@gmail.com

۱. چکیده

قاچاق انسان یک جرم غیر انسانی ، تحقیر آمیز و یکی از اشکال جنایات سازمان یافته فراملی است که مع الاسف در اکثر نقاط دنیا رشد یافته و در تضاد آشکار با نقض حقوق انسانی قربانیان آن است . این پدیده شوم، به پیشرفت های علمی دنیای پیوند مرتبط است و همکاری تیم پزشکی ماهر در فرآیند انجام آن ضروری بوده و بدون دخالت آنها و مراقبت های ویژه ارتکاب آن ناممکن است. زیرا اعضا و جوارح فقط تحت مراقبت های ویژه و آن هم برای مدت زمانی محدود می توانند خارج از بدن نگهداری شده و دوام داشته باشند. علل گرایش به این رفتار از جانب اهدا کننده و گیرنده عضو اهمیت ویژه ای داراست. همچنین ضمانت اجرای های پیش بینی شده برای برخورد با این پدیده در حوزه ملی بعنوان قوانین موضوعه و هم در سطح بین المللی اعم از توصیه نامه ها و کنوانسیون های سازمان ملل و بهداشت جهانی و سازمانهای منطقه ای و قاره ای مورد بررسی قرار گرفته اند.

واژه های کلیدی: قاچاق، عضو بدن، جنایت علیه تمامیت جسمانی، فروش اعضاء،

۲. مقدمه

هم اکنون در دنیای پزشکی سالانه هزاران پیوند از انواع مختلف، انجام می شود. این پیوندها شامل پیوند قرنیه، کلیه، کبد، ریه، پوست، مغز استخوان و قلب می باشد. منابع تامین عضو برای پیوند به بیماران، عبارتند از انسان زنده، مبتلایان مرگ مغزی و جسد. اکثر پیوندها منحصرا از جسد و مبتلایان مرگ مغزی انجام می شود. مانند قلب، لوزالمعده، ریه و قرنیه. این امر ناشی از جایی است که برداشتن اعضا مذکور از انسان زنده او را با مرگ یا نقص عضو جدی مواجه خواهد ساخت. منبع عضو برای پیوند، در برخی موارد علاوه بر جسد و مبتلایان مرگ مغزی، انسان زنده می باشد^۱ نمونه بارز این نوع پیوندها، پیوند کلیه است. در مواردی نه چندان نادر هم، انسان زنده یگانه منبع تامین کننده عضو برای پیوند محسوب می شود. این موارد شامل، پیوند مغز استخوان، خون می باشد. بنابراین موضوع قاچاق انسان در دو حالت متصور است. ابتدا اینکه انسان زنده به منظور پیوند عضو و برداشتن بافت و اعضا قاچاق می شود و حالت دیگر اینکه عضوی که قابلیت جابجایی خارج از جسم انسان زنده امکان حیات دارد، در داخل از بدن خارج کرده و عضو را منتقل کنند.

نیاز برخی بیماران به عضو پیوندی و وجود تقاضا به ویژه از طرف اشخاص بیمار ولی ثروتمند، بازار جهانی «تجارت شیطانی» اعضای بدن را که در آن معمولا اشخاص مرفه و ثروتمند برخی کشورها، متقاضی خرید عضو و مردم فقیر کشورهای جهان سوم منبع پایان ناپذیر و ارزان برای عرضه آن به شمار می روند، ایجاد کرده است.^۲ سازمان دیده بان حقوق بشر اطلاعاتی را در زمینه قاچاق اعضای بدن در نواحی مختلف جهان جمع آوری کرده است که منبع اصلی اطلاعات در زمینه تجارت اعضای بدن علاوه بر رسانه ها می باشد. برخی از تجزیه و تحلیل های محلی بر پایه اطلاعات گرفته شده از سازمان دیده بان اعضا می باشد. گزارش پلیس نشان می دهند که در قاره های مختلف کشورهای زیر در زمینه قاچاق اعضای بدن دست داشته اند.

قاره آمریکا: امریکا، آرژانتین، بولیوی، پرو و اروگوئه

اروپا، اوکراین، لیتونی، بوسنی و هرزه گوین، جمهوری چک، بلغارستان، رومانی، یونان و اسپانیا

آسیا: هندوستان، ایران، چین، عراق، فیلیپین، پاکستان و مالزی

قاره آفریقا: آفریقای جنوبی، کامرون و مصر

همواره بین میزان عرضه و تقاضا اختلاف زیادی وجود داشته است همچنین به آن سبب قاچاق نسج گرفته که از طرف طبقات مرفه و ثروتمند در کشور استعمارگر، تقاضا برای خرید عضو بدن روز به روز افزایش می یابد و مردم فقیر ممالک جهان سوم منبعی غیر قابل پایان و ارزان در عرصه جهانی این معاملات شیطانی به حساب می رود، تا جایی که در اروپا سازمانی به اسم TRASPLANTION EURO با شرکت نه عضو فعالیت



دارد.^۳ برای مثال طبق گزارش اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۷، در آن اتحادیه ۴۰۰۰۰ نفر در نوبت پیوند عضو هستند و روزانه ۱۰ نفر از آنها از دنیا می روند. همچنین طبق برآوردها در چین، حدود ۱/۵ میلیون بیمار نیازمند عمل پیوند وجود دارد که به خاطر کمبود شدید اهدا کننده، سالیانه تنها ۱۰۰۰۰ عمل پیوند در این کشور انجام می شود.^۴ یا بر اساس برخی تخمین ها درباره کلیه در دهه های گذشته هیچ تغییری در تعداد اهدا کنندگان در گذشته رخ نداده و چنین اهداهایی به سطح ثابتی رسیده است. بی تردید اگر در یک جامعه انسانی فرهنگ عمومی پیوند عضو از افراد متوفا و مبتلایان به مرگ مغزی را نپذیرد، تعداد بیماران متقاضی پیوند عضو افزایش می یابد و به تشدید وضعیت عدم تعادل عرضه و تقاضا و روی آوری به راه های نامشروع تامین عضو منجر می شود. وضعیت جاری قاچاق عضو در جهان و ایران بسیار مبهم است و آمار و ارقام آن عمدتاً نامعتبر است و اطلاعات بدست آمده از منابع رسمی بسیار اندک است و این محدودیت مانع ارزیابی کارایی و اثر بخشی برخی اقدامات برای پیشگیری و پیگرد قضایی این رفتار است. بر این اساس، گزارش هایی از انتقال اعضا از کشورهای چون هند و برزیل به کشورهای مختلف به ویژه آلمان و ایتالیا و در مواردی با استفاده از اسناد جعلی مشاهده می شود.^۵ در قاره آسیا، هند از مراکز عمده تجارت اعضای بدن به شمار می رود و گزارش ها حاکی از آن است که کشورهایی نظیر پاکستان و فیلیپین قاچاق اعضا را تسهیل کرده اند. طبق داده های به دست آمده از موسسه اورولوژی و پیوند عضو SIVT تا سال ۲۰۰۷ در پاکستان حداقل ۲۰۰۰ و در فیلیپین بیش از ۳۰۰۰ پیوند کلیه برای گردشگران انجام گرفته است. کارشناسان پیوند عضو مصر برآورد کرده اند که این کشور سالانه ۵۰۰ پیوند کلیه انجام می دهد که بیشتر آنها از طریق قاچاق عضو تهیه می شود. در هندوستان، تجار مخصوص معاملات اندامهای بدن انسان، قربانیان خود را از بین مردان و زنان سالم، جوان و فقیر انتخاب می کنند. بعد با همکاری عده ای از پزشکان متخصص معامله صورت می گیرد. به این ترتیب همه ساله در بیمارستانهای هند چند هزار کلیه به فروش می رسد. باندهای بین المللی قاچاق کودکان، سالانه دویست هزار کودک را به کشور صنعتی انتقال می دهند و از این طریق سه میلیارد دلار کسب در آمد می کنند. در آمریکای لاتین، مرکز فروش بچه، کشور برزیل است. طفل بعضی اوقات در رحم مادرش مورد معامله واقع می شود. به این صورت که روش «ولتراشال» از مشخصات بچه، اطلاعات کاملی بدست می آید و در صورت توافق، معامله صورت می گیرد.^۶ همه ماهه صدها تن از مصریان ساکن مناطق فقیر نشین و همچنین مهاجران سودانی و سومالیایی ساکن این شهر، با مراجعه به درمانگاههای متعلق به شرکتهای تجاری آمریکایی، یکی از دو کلیه خود را به قیمت بین ده تا پانزده هزار دلار می فروشند.^۷ با توجه به حساسیت جامعه بین المللی نسبت به پدیده قاچاق انسان که طی دهه های اخیر گسترش قابل توجهی یافته و ثروت زیادی را نصیب باندهای تبهکاری کرده است که به ویژه به قاچاق کودکان و زنان، که گاه آن را بردگی سفید می نامند، می پردازند از طرفی و گسترش این پدیده در داخل کشور و، مقنن ایران در سال ۱۳۸۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان را تصویب کرد و قاچاق اعضا را نیز در ماده یک قانون مذکور پیش بینی نموده است. جرم قاچاق انسان شباهت های زیادی با آدم ربایی دارد، لیکن مهم ترین ویژگی آن فرامیزی بودن آن است.

۲.۱ مفهوم قاچاق عضو

ورود به هر موضوعی و واکاوی آن مستلزم شناخت مفاهیم آن موضوع می باشد. در خصوص حقوق کیفری نیز این قاعده جاریست، بنابراین برای شناسایی ابعاد و جوانب موضوع قاچاق اعضا بدن انسان بایستی کلمات دخیل را به دقت تعریف و منظور از آن را بیان داشت. به عقیده دهخدا، قاچاق از ریشه کلمه قاچماق می باشد که ترکی ست و به معنای برده و ربوده و آنچه ورود آن به کشور و یا معامله ی آن از طرف دولت ممنوع است،^۸ آمده. در فرهنگ عمید به معنای «تردستی، کاری که پنهانی و با تردستی انجام شود، خرید و فروش کالاهایی که در انحصار دولت و یا معامله آن ها ممنوع باشد. وارد کردن یا صادر کردن کالاهایی که ورود و صدور آنها ممنوع است»^۹ آمده است. در ترمینولوژی حقوق قاچاقچی به معنی کسی ست که مال التجاره ممنوع الورد یا ممنوع معامله ای را بدون کسب اجازه از دولت ویا نپرداختن گمرک وارد کند یا بفروشد. شخصی که کالا را از بیراهه بگذارند.^{۱۰} در دیکشنری حقوق نیز این عبارت چنین آمده است: «Illegal export or import of merchandise e.g. without of duties»^{۱۱} و در فرهنگ حقوقی معروف «بلک» نیز چنین بیان شده: «جرم واردات یا صادرات کالای ممنوعه بدون پرداخت عوارض مربوط به آنها، کالاهایی که قانوناً ممنوع هستند، متقلبانه، از کشور خارج کردن یا وارد کشور کردن».^{۱۲} با توجه به تعاریف گوناگون ذکر شده، قوانین مختلف نیز از این واژه تعریف آورده اند که به فراخور در پژوهش پیش رو خواهد آمد، اما در مجموع می توان تعریف کلی زیر را که بر تمام اقسام قاچاق دلالت می کند پذیرفت: «قاچاق عبارت است از واردات و صادرات کالا و هر چیزی که به موجب قانون واردات یا صادرات آن ممنوع یا در انحصار دولت است یا بدون تشریفات و مقررات قانونی و پرداخت عوارض حقوق گمرکی وارد یا صادر شده باشد. خرید و فروش و حمل و نگهداری این کالا در مواردی که قانون صریح بیان داشته است نیز در حکم قاچاق است.»^{۱۳} تعریف ارائه شده توسط سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴ تا پیش از تعریف پروتکل مصوب سال ۲۰۰۰ به صورت گسترده تری مورد پذیرش قرار داشت. این تعریف چنین است: «حرکت دادن غیرقانونی و مخفیانه اشخاص در عرض مرزهای ملی، عمدتاً از کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذر، با هدف نهایی واداشتن زنان و دختران به وضعیت بهره کشانه و ستمگرانه از لحاظ جنسی و اقتصادی به منظور سود



کارگیرندگان، قاچاقچیان و ... سندیکاهای جنایتکار و دیگر گروه‌های مرتبط با قاچاق همچون کار خانگی، ازدواج دروغین، استخدام مخفیانه و فرزند خواندگی دروغین.»

تعریفی که در ماده سوم پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات اشخاص به ویژه زنان و کودکان^{۱۳} مصوب ۲۰۰۰ الحاقی به کنوانسیون ملل متحد علیه جنایات سازمان یافته فراملی^{۱۴}، ارائه شده است، در زمره کامل‌ترین تعاریف در این خصوص جای می‌گیرد.^{۱۵} در این پروتکل آمده است: «قاچاق اشخاص، به معنی استخدام کردن، اعزام، انتقال، پناه دادن یا پذیرفتن اشخاص است به وسیله تهدید یا توسل به زور یا اشکال دیگر اجبار، ربودن، تقلب یا فریب، اغفال، سوءاستفاده از وضعیت آسیب‌پذیری یا با دادن یا گرفتن مبالغی یا منافع برای تحصیل رضایت شخصی که روی دیگری کنترل دارد، که این اقدامات به منظور بهره‌برداری صورت می‌گیرد. بهره‌برداری شامل بهره‌برداری از فحش‌های دیگران یا اشکال دیگر بهره‌برداری جنسی، کار یا خدمات اجباری، به بردگی گرفتن یا اعمال مشابه بردگی، استثمار یا استخراج اعضاست»^{۱۶}.

۲،۲ علل گرایش به قاچاق اعضا

برای بیماران لیست انتظار، کمبود عضو باعث طولانی‌تر شدن زمان انتظار می‌شود، بدین معنی که ممکن است بیماران نیازمند عضو، در طول زمان انتظار برای یک عضو دچار اختلال شوند یا حتی بمیرند. این مرگ و میرها می‌توانست با وجود اعضای بیشتر برای پیوند جلوگیری شوند. از آنجایی که اعضای بیشتر برای پیوند در دسترس نیستند، تصمیم اینکه چه کسی خواهد مرد و چه کسی زنده خواهد ماند بسیار مشکل است. دیگر اینکه انتظار زیاد و طولانی برای پیوند اعضا ثابت کرده است که تاثیر منفی و نامطلوبی بر روی دیگر اعضای بیمار و بنابراین حیات فرد می‌گذارد که در زمان انتظار و پس از پیوند عضو نیز این تاثیرات مشهود می‌باشند. همچنین هزینه‌های مراقبتی و درمانی به بیماران نیازمند پیوند بسیار بالا می‌باشد و مستلزم مراقبت در بیمارستان و زیر نظر متخصص، به همین دلیل طولانی‌تر شدن لیست انتظار موجب افزایش بسیار زیاد هزینه‌ها می‌گردد. به حدی که هزینه پیوند عضو از مراقبت فرد کمتر می‌گردد. مقایسه هزینه‌های مراقبت در بیشتر موارد از هزینه‌های پیوند عضو قاچاق بیشتر می‌باشد که نهایتاً فرد به سمت قاچاق عضو روی می‌آورد. روی آوری به سمت قاچاق اعضا، خود سیکل معیوبی از اختلافات طبقاتی و اقتصادی و محل سیکل صحیح انتقال اعضا است. بنابراین افراد ثروتمند می‌توانند با تکیه بر ثروت خود، زمان انتظار برای عضو و پیوند را از طریق تطمیع افراد اهداءکننده و کم‌بضاعت را کم کنند.

۳. عناصر سه‌گانه جرم قاچاق اعضا

۳،۱ عنصر قانونی

قاچاق اعضا مطابق ماده یک قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ جرم انگاری شده است که مقرر می‌دارد: الف- خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده، به قصد فحشاء یا برداشت اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج. ب- تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء فرد یا افراد موضوع بند (الف) این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود.

۳،۲ عنصر مادی

رفتار مادی فیزیکی در جرم قاچاق انسان به مانند غالب جرایم به صورت فعلی است که قانونگذار انجام آن را منع کرده است. در جرم قاچاق انسان نیز با مذاقه در تعریف ارائه شده در ماده یک، ملاحظه می‌گردد که تمامی اعمال ذکر شده در ماده فوق‌الذکر که البته جملگی حصری می‌باشند، صرفاً به صورت فعل مثبت قابل تحقق می‌باشند.

جرم قاچاق اعضا از زمره جرایم مقید بوده و شرط تحقق آن حصول نتیجه خاص می‌باشد همانگونه که از تعریف در بند الف ماده یک پیداست^{۱۷}، مقید به «خارج» یا «وارد ساختن» یا «ترانزیت» افراد می‌باشد. لذا تا زمانی که افراد با استفاده از اجبار و اکراه یا تهدید و ... البته به قصد فحشاء و ... از مرزهای کشور خارج یا وارد نشده و یا مورد ترانزیت واقع نشده اند جرم قاچاق اعضا به شکل تام محقق نگردیده است. هر چند که ممکن است تحت عنوان شروع به جرم قابل تعقیب باشد. البته در خصوص عنصر نتیجه در جرم قاچاق اعضا باید متذکر شد که صرف «وارد یا خارج ساختن یا ترانزیت» اشخاص یا اعضا مشمول جرم قاچاق نبود. جرم محال را در خصوص قاچاق اعضا می‌توان تصور کرد به این ترتیب که شخصی اقدام به خروج یک طفل از مرزهای کشور به قصد برداشت کلیه (اعضا) می‌نماید در حالی که بعد از آزمایشات مشخص می‌گردد که طفل، خود مشکل کلیدی دارد.



۳،۳ عنصر روانی

در خصوص این عنصر سوالی پیش می آید که آیا جرم مذکور از لحاظ عنصر روانی با احراز سوءنیت عام محقق می گردد یا آنکه علاوه بر سوءنیت عام، لازم است که سوءنیت خاص هم وجود داشته باشد؟ که باید بیان داشت که جرم مورد مطالعه، با «قصد فحشاء، برداشت اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج» ارتکاب یافته و سوءنیت خاص ندارد.

۴. ضمانت اجرا

پدیده سوداگری و قاچاق عضو که با هدف تحصیل پول و منفعت مادی انجام میشود و اعضای بدن انسان را همانند یک کالا در نظر میگیرد، مخالف کرامت و حقوق انسانی است و جریان اهدای نوع دوستانه عضو را سست می کند. تجویز فروش منفعت طلبانه عضو نیز خطر قاچاق عضو را به همراه دارد. ابعاد انسانی و حقوق بشر مدارانه قاچاق عضو، دولت ها را به پیش بینی چارچوب حقوقی و حرفه ای مناسب برای پیوند عضو رهنمون می کند تا پیوند عضو، سلامتی را از فردی به فرد دیگر اهدا کند نه آنکه حقوق انسان ها و بینوایان نیازمند را پایمال کند. وضعیت قاچاق عضو در ایران بسیار مبهم است و امار و ارقام آن عمدتاً نامعتبر می باشد. اطلاعات به دست آمده از منابع رسمی بسیار اندک است و این محدودیت مانع ارزیابی کارایی و اثر بخشی برخی اقدامات برای پیشگیری و پیگرد قضایی این رفتار است.

۴،۱ در حقوق موضوعه

در آموزه های حقوقی، خرید و فروش عضو، نامشروع ارزیابی نشده است، ولی برخی بر این باورند که پسندیده تر آن است که این عمل خیر به صورت احسان در برابر احسان انجام شود.^{۱۸} یا برخی ضمن عدم انطباق مال بر عضو، ماهیت عملی را که به برداشت عضو برای پیوند و در ازای پاداش انجام می گیرد با عقد جعاله و نه بیع منطبق می کنند.

در نخستین روزهای سال ۱۳۸۳ و بنا بر پیشنهاد وزارت امور خارجه، دولت لایحه ای تحت عنوان «مبارزه با قاچاق انسان» با این مقدمه که «نظر به خلأ قانونی موجود در خصوص مبارزه با قاچاق انسان» و نبود تعریف جامع و مانع از آن در نظام حقوقی کشور و نظر به ضرورت اعمال سیاست های بازدارنده مناسب در مقابله با مرتکبان این امر و همچنین با لحاظ کردن تفاوت های ماهوی بین پدیده «قاچاق انسان» و «قاچاق مهاجران» و لزوم جلوگیری از وقوع آن و کاهش یا رفع آثار و پیامدهای منفی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و بهداشتی آن تقدیم مجلس نمود که در نهایت لایحه مذکور در تاریخ ۸۴/۴/۲۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.^{۱۹} هرچند اهدای کلیه از طرف فرد زنده پذیرفته شده و شیوه اجرای آن در مصوبات وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و به ویژه دستورالعمل اهدا و پیوند کلیه از اهدا کنندگان زنده مشخص گردیده است. طبق این شیوه و رویه جاری، اهدا کننده کلیه از دولت مبلغی را تحت عنوان «هدیه ایثار» دریافت می کند و علاوه بر این، دریافت کننده کلیه یا در مواردی نهادها یا موسسات خیریه نیز وجوه و پاداشی را به وی می پردازند. برای پیش گیری از توریسیم پیوند عضو در این دستورالعمل به موجب ماده ۱-۳ اهدای کلیه و دریافت آن در میان افراد با تابعیت یکسان مجاز است و پیوند از یک ایرانی به تبعه بیگانه ممنوع است. باید توجه داشت که از منظر انصاف، اقدام دهنده یا گیرنده عضو به دلیل استیصال و اضطرار، سزاوار تعقیب کیفری نبوده، ولی اقدامات واسطه ها و دلالان که گاهی از همکاری کارکنان پزشکی نیز بهره مندند، قابل اغماض نیست.

هرچند در قانون مبارزه با قاچاق انسان، قاچاق عضو هم پیش بینی شده است، اما باید توجه داشت که تفاوت هایی میان قاچاق انسان و قاچاق اعضا وجود دارد. در مواردی که قاچاق انسان به قصد برداشت عضو انجام می گیرد، عنوان قاچاق عضو مطرح نمی شود و به استناد قانون مبارزه با قاچاق انسان، اصولاً با عنوان مجرمانه قاچاق انسان مواجه خواهیم بود. هرچند ماده ۳ قانون فوق، بر خلاف منطبق حقوقی و عنوان قانون، در درجه نخست عمل مرتکب «قاچاق انسان» را در صورتی که از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی است (همانند قوادی، زنا و ...) به این قانون احاله داده و از عنوان خاص قاچاق انسان دور کرده است.

۴،۲ اسناد بین المللی

با وجود موضوعات وحشتناک مرتبط با قاچاق اعضا که صرفنظر از شیوع آن، حیات بسیاری از انسان های بی گناه را تهدید می کند، طراحان پروتکل قاچاق انسان اعتقاد داشتند که پروتکل ناظر به قاچاق انسان است، نه اعضای بدن انسان. به همین دلیل صرفاً پس از مناقشات فراوان این موضوع هم در پروتکل وارد شد. البته یادداشت تفسیری این سند، برداشتن اعضا و جوارح کودکان را که برای مقاصد پزشکی مشروع انجام می شود با رضایت والدین آنها از شمول مقررات مربوط به قاچاق انسان خارج می کند.^{۲۰} عدم استقلال اسناد بین المللی مرتبط با قاچاق انسان مشکل دیگری است که موجب کندی مبارزه و بعضاً فقدان کارایی آنها شده است. زیرا اسناد تصویبی درباره قاچاق انسان به جز چند سند ابتدایی که از جامعیت لازم نیز برخوردار نیستند. درباره موضوعاتی مثل رفع خشونت، تبعیض و ... هستند که در ضمن آنها یادی هم از قاچاق انسان شده است.



آخرین سند تصویبی در این باره نیز که کاملترین آنهاست، به شکل یک پروتکل اختیاری منضم به کنوانسیون جنایات سازمان یافته تصویب شده که همین موضوع باعث بی نتیجه ماندن کوشش های سازمان ملل در این راستا شده است. با اینحال در زمینه مبارزه با قاچاق اعضا، کنوانسیونهای متعددی با همکاری دولت‌ها به تصویب رسیده است. این کنوانسیون‌ها عبارتند از کنوانسیون منع برده داری، کنوانسیون پالمو، کنوانسیون سرکوب قاچاق اشخاص و بهره‌کشی از روسپیگری دیگران و کنوانسیون هر نوع تنبیهی علیه زنان که در حوصله بحث بدان‌ها اشاره می‌شود.

آخرین کنوانسیون بین‌المللی که تاکنون به بحث پیرامون مبارزه با قاچاق انسان پرداخته است، کنوانسیون پالمو در دومین پروتکل الحاقی به آن تحت عنوان "پیشگیری، سرکوب و مجازات" در پالموی ایتالیا به تصویب رسیده است.^{۲۱} اما آنچه در مورد هدف این پروتکل لازم به نظر می‌رسد، این است که هدف این پروتکل مبارزه با هرگونه قاچاق اشخاص چه مرد و چه زن تعیین گردیده است. در واقع پروتکل هدف مجازات کردن قاچاقچیان انسان را با جدیت دنبال می‌کند، حفاظت از قربانیان قاچاق انسان، پیشگیری، همکاری و دیگر تدابیر از جمله اهداف دیگر پروتکل است. لازم به ذکر است در بند ب ماده ۳ پروتکل اول کنوانسیون پالمو بلافاصله تصریح شده است: «رضایت مجنی علیه قاچاق اشخاص در مورد بهره برداری مورد نظر مقرر در بند الف این ماده، وقتی وسایل مندرج در آن بند به کار رفته باشند، ارزشی نخواهد داشت.»

در خصوص حمایت از بزه دیدگان قاچاق انسان و اعضا، پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان پیوست کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد مبارزه با جرم سازمان یافته فراملی مصوب سال ۲۰۰۰ موسوم به پروتکل قاچاق انسان پالمو، در بند ۱ از ماده ۶، با تعبیری غیرالزامی از دولت‌ها می‌خواهد در مورد مقتضی و تا حد امکان و براساس حقوق ملی، از افشای هویت زندگی خصوصی قربانیان اجتناب کنند.^{۲۲} همچنین تأمین سلامت جسمانی بزه دیدگان و شهود، در کنوانسیون جرایم سازمان یافته پالمو در مواد ۲۴ و ۲۵، مورد تصریح قرار داده شده است. به دنبال آن پروتکل پالمو با زبانی ضعیف و غیرالزامی در بند ۵ ماده ۶ فقط به تلاش دولت‌ها برای تأمین امنیت قربانیان و مادامی که در قلمرو آنها هستند نه الزاماً تا قبل از رسیدن به وطنشان اشاره کرد.^{۲۳}

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه دسامبر ۲۰۰۴ با عنوان «پیشگیری، مبارزه و مجازات قاچاق اندام های انسان»، تجاری سازی اندام‌ها را ممنوع اعلام کرد. سازمان بهداشت جهانی نیز در می ۱۹۸۷ تجارت انتفاعی اعضا را مخالف با اساسی ترین ارزش های انسانی و ناقض اعلامیه جهانی حقوق بشر و روح اساسنامه این سازمان در قطعنامه WHA/40/13 خود که در خصوص توسعه اصول راهنمای پیوند اعضای انسان می‌باشد، می‌داند. اصل ممنوعیت تجاری سازی اعضای بدن، برای اولین بار در سطح بین‌المللی در قطعنامه (۷۸) ۲۹ کمیته وزرای شورای اروپا مطرح شد و شورای اروپا نیز در کنوانسیون حقوق بشر و زیست پزشکی اروپا در سال ۱۹۹۷ در ماده ۲۱ خود به این اصل توجه کرده است.

ماده ۲۲ پروتکل الحاقی پیمان نامه حقوق بشر و بیوپزشکی شورای اروپا در رابطه با پیوند اعضا و بافت های انسان^{۲۴} صراحتاً قاچاق عضو و بافت، که دو نمونه بارز کسب سود مالی از بدن انسان و اعضای آن است را ممنوع کرده همچنین قاچاق عضو و بافت، ناقض حقوق بشر دانسته و اعضای آسیب پذیر جامعه را مورد استعمار این قاچاق شناخته است. در این تصمیم شورای اروپا، از تمام دولت‌ها خواسته شده اقداماتی جهت کاهش تقاضا، ارتقا اهدای عضو، کنترل قانونگذاری شدید در رابطه با اهداکنندگان زنده غیر مرتبط، تضمین شفافیت اسناد ملی و لیست های انتظار، ایجاد مسؤولیت حقوقی حرفه پزشکی و به اشتراک گذاشتن اطلاعات انجام دهند. بنابراین مجمع پارلمانی توصیه کرد که دولت‌ها آشکارا مسؤولیتی جنایی برای تجارت اعضا در اصول ملی جنایی خود ایجاد کنند به طوری که دلالتان، واسطه‌ها، کارمندان بیمارستان‌ها، پرستاران و تکنسین های آزمایشگاه های پزشکی دخیل در مراحل پیوند عضو غیر قانونی و همچنین کارکنان درمانی که اطلاعاتی درباره (توریسم پیوند عضو) فراهم می‌کنند یا در مراقبت های مداوم بیمارانی که اعضا را خریداری کرده اند، دخیل هستند و این مورد را به سازمان های بهداشتی اطلاع نمی‌دهند را در برگیرد.

قطعنامه WHA 42/5 درباره جلوگیری از خرید و فروش اعضای بدن انسان در می ۱۹۸۹ خرید و فروش اعضای انسان را محکوم کرد و از قانون گذاران ملی خواست بر تلاش های خود در این زمینه بیفزایند. در سال ۱۹۹۱ مجمع جهانی بهداشت، از طریق قطعنامه WHA 44/25 مجموعه ای از اصول هدایتی پیوند عضو انسان را تصویب نمود. طبق اصل هدایتی ۱: اگر رضایت گرفته شده باشد و هیچ دلیلی برای باور اینکه شخص فوت شده نسبت به برداشت متعرض بوده است، در مواردی که هیچ گونه رضایت رسمی از زمان حیات شخص وجود ندارد، دردست نباشد، ممکن است اعضا از بدن افراد فوت شده برداشته شوند. همچنین انجمن مذکور (WHA) بیان داشته که انگیزه های مالی، داوطلبانه بودن انتخاب و اساس نوع دوستانه اهدای عضو را به خطر می‌اندازد.

در آمریکا نیز شورای ایبرو-آمریکن اهدا و پیوند عضو بیانیه ای را در باره منع توریسم پیوند در آمریکای لاتین به تصویب رساند و به پیروی از اصول راهنمای سازمان بهداشت جهانی درباره پیوند عضو دایر بر منع تجاری سازی اعضای بدن، منع درج آگهی و تبلیغات در مورد تهیه عضو از راه های غیرقانونی و غیر قانونی بودن فعالیت و همکاری پزشکان و متخصصات در این فرایند و در نهایت منع دریافت هرگونه مبلغ مازاد بر حق الزحمه از سوی کارکنان پزشکی برای ارائه خدمات در فرآیند پیوند عضو به بیماران نیازمند، صراحتاً مخالفت خود را با پدیده توریسم پیوند اعضا اعلام نمود و دولت های عضو را به مقابله همه جانبه با این پدیده دعوت کرد. بیانیه شبکه اهدا و پیوند موسوم به RCIDT^{۲۵} بر ضد توریسم پیوند عضو



آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۹ تصویب شده است که مطابق آن در مورد تایید توریسم پیوند عضو در برخی کشورهای آمریکای لاتین و نگرانی در این خصوص اظهار نگرانی کرده است و پیشنهاد داده که دولت های عضو با توریسم پیوند عضو مخالفت کنند و یا جهت کنترل و تحریم، ترویج و تبلیغ توریسم پیوند عضو، اقداماتی در قانونگذاری خود نمایند.

همچنین جرم انگاری قاچاق عضو و تعقیب مرتکبان قاچاق عضو، مورد تایید برخی سازمان های بین المللی منطقه ای چون آ. سه. آن.^{۲۶} یا نهادهای بین المللی همانند جامعه بین المللی نفرولوژی قرار گرفت.

۵. مبارزه با قاچاق اعضا

قاچاق انسان و اعضا بدن از جمله جنایات سازمان یافته می باشد. این جنایات توسط گروه های جنایی پر نفوذ و قدرتمند ارتکاب می یابند که معمولاً شاکی خصوصی ندارند. به همین دلیل مبارزه با این پدیده زمانی محقق می شود که عزم جدی حکومتی آن را همراهی کند. قاچاق انسان و اعضای بدن بعد از قاچاق مواد مخدر دارای سودهای غیرقانونی هنگفتی است که موجب می شود منافع جرم نسبت به هزینه های آن افزایش یافته و مرتکبان راحت تر در مراجع انتظامی و قضایی نفوذ یابند. فشار افکار عمومی داخلی و بین المللی مهم ترین عاملی است که دولت ها را وادار به تصویب اسناد بین المللی و قوانین داخلی در جهت مبارزه با این جنایات می کند. لیکن اگر اراده واقعی برای مبارزه با این جنایات در درون قدرت حاکمه نباشد، تصویب این اسناد صرفاً در حد یک نمایش سیاسی باقی می ماند.

با توجه به قانون مبارزه با قاچاق انسان ایراداتی به نظر می رسد که در این قسمت به آن اشاره می گردد. ابتدا بند الف ماده ۲ تشکیل یا اداره دسته یا گروه که هدف آن قاچاق انسان باشد در حکم قاچاق انسان تلقی شده است. بی آنکه در این قانون مفهوم دسته و گروه مشخص شده باشد البته مطابق قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ دسته و گروه و همچنین سردستگی بیان شده است که به عنوان قوانین کیفری عام می توان به آن رجوع کرد. در ثانی، برای شروع به جرم و معاونت در قاچاق انسان، مساله سازمان یافتگی مغفول مانده است. ثالثاً، فراملی بودن این عنوان جزایی و به تبع آن پیش بینی همکاری های بین المللی به طور کلی نادیده گرفته شده است. رابعاً، در کنار اقدامات سرکوب گر علیه مرتکبین ضرورت دارد از بزه دیدگان و شهود قضیه نیز حمایت کافی به عمل آید و راه های بازگشت فرد قاچاق شده زیر چتر قانون فراهم گردد.

۶. نتیجه گیری

قاچاق عضو و انسان از پدیده های شومی ست که گریبانگیر عصر حاضر می باشد. از جهاتی همچون نیاز به پیوند اعضا، درمان، پیشرفت های پزشکی ایجاب می کنند که به سمت پیوند اعضا رفت اما در مقابل لیست های انتظار طولانی، به خطر افتادن جان و سلامت نیازمندان به پیوند عضو، نیاز مالی اهدا کنندگان عضو و سودهای هنگفت مالی موجب تقویت این پدیده انسانی و چرخش آن به سمت غیر قانونی می گردد که قاچاق اعضا و قاچاق انسان به منظور برداشت اعضا شکل می گیرد. اهمیت این پدیده به حدی ست که تمام سازمان های جهانی و سازمان های فراملی، دولت های عضو و کشورها را به جلوگیری از این پدیده تشویق کرده اند و همچنین بصورت کلی شاهد راهکارهایی جهت تقویت راه های قانونی و انسانی و پیشنهاد برخورد های کیفری و پیش گیری از مجاری ارتکاب این رفتارها هستیم .

با در نظر داشتن عدم تناسب میزان نیازمندان به پیوند عضو و اهدا کنندگان عضو، همواره قاچاق اعضا اتفاق می افتد و شاید دور از واقعیت باشد که بگوییم به صفر و بطور مطلق می توان آن را از بین برد. اما همانطور که بیان شد، با بهره گیری از توصیه های سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی و دیگر نشست های بین المللی می توان راه های ارتکاب آن را سخت تر کرد. ابزار های پیشگیرانه از جمله افزایش آگاهی جوامع بخصوص اهدا کننده و گیرنده عضو، در خصوص تبعات منفی قاچاق، آموزش به کادر های پزشکی و گروه پیوند اعضا در مراکز رسمی، بسیار موثر خواهند بود و اتکا به ابزار های کیفری و جزایی صرف بدون بهره گیری از ابزار های دیگر نتیجه ای نخواهد داشت.

کشور عزیزمان ایران هم همانند دیگر کشور های درگیر با این پدیده میباشد و قانونگذار هموار سعی بر آن داشته است که با آن مقابله نماید و عرصه را بر قاچاق چپان تنگ تر نموده و در مقابل حمایت بیشتری را نسبت به قربانیان آن ایجاد نماید. بنابراین در سال ۱۳۸۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان در مجلس شورای اسلامی به عنوان اولین قدم قانون گذاری به تصویب رسید. در مقام قضاوت در خصوص این قانون نباید از انصاف فاصله گرفت و تماماً این قانون را دارای نقص دانست از طرفی پدیده ای این چنین مهم نمی تواند جای مسامحه ای را باز بگذارد. پس می توان گفت که قانون مذکور علاوه بر معایبی از جمله عدم توجه به سازمان یافتگی و فراملی بودن قاچاق اعضا و انسان، یا گونه های مختلف قاچاق از جمله قاچاق انسان، قاچاق انسان به منظور برداشت عضو، قاچاق اعضا بصورت مستقیم یا پیوندهای اعضای غیر قانونی، نقاط مثبتی هم دارد.

نباید از نظر دور داشت که موفقیت در مبارزه با این پدیده غیر انسانی جز با همکاری ملی، فراملی محقق نخواهد شد و همانطور که اشاره شد، ابزارهای کیفری صرف نیز به تنهایی راه گشا نخواهد بود. بنابراین افزایش آگاهی افراد جامعه، حمایت از قربانیان آن، شفاف سازی لیست های انتظار برای پیوند اعضا بسیار موثر و مفید واقع خواهند شد.



۷. مراجع

- ۱- فاضل، ایرج، پیوند کلیه از دهنده زنده، مجله نظام پزشکی، شماره ۳، بهار ۱۳۷۳
- ۲- تبریزی، ایرج، تجارت شیطانی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۹، ص ۳۲
- ۳- تبریزی، پیشین، ص ۲۵.
- ۴ Francis, Leslie p. & John G. Francis, Stateless Crimes, Legitimacy and International Criminal Law, Criminal Law and Philosophy, 2010, 4/286
- ۵- ملاعلی، آرش، برده داری نوین، تهران، نزهت، ۱۳۸۶، ص ۱۱۴
- ۶- همان ص ۳۰
- ۷- همان ص ۲۳
- ۸- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، ج ۱۰، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳، ص ۵۲۵۲
- ۹- عمید، حسن، فرهنگ عمید، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۸۶۸
- ۱۰- لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۵
- ۱۱ - Dictionary of law. I. b Curzon (sixth edit, 2002, great Britain by Henry ling)
- ۱۲- ساکی، محمدرضا، حقوق کیفری اقتصادی، تهران، انتشارات جاودانه جنگل، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ص ۲۲
- ۱۳ . protocol to prevent, suppress and punish trafficking in person.
- ۱۴ . united nations convention against transnational organized crime.
- ۱۵- تبریزی، ایرج، تجارت شیطانی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۹، ص ۴۸
- ۱۶- حسینی، سیدمحمد، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۳، ص ۷۷
- ۱۷- «خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده، به قصد فحشاء یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج.»
- ۱۸- مطلبی، علیرضا، پیوند اعضا از لحاظ حقوق با مطالعه تطبیقی، دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۱۸۲
- ۱۹- ذاقلی، عباس، قاچاق انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین المللی، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۳۷.
- ۲۰- ذاقلی، پیشین، ص ۱۲۷
- ۲۱- گلدوزیان، ایرج، قاچاق انسان با رویکردی به حقوق داخلی اسناد بین المللی، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۷
- ۲۲- بند ۲ از ماده ۲۴ کنوانسیون جرایم سازمان یافته فراملی با لحنی آمرانه تر از دولت ها می خواهد هویت و محل زندگی شهود را افشا نکنند.
- ۲۳- معتمدی، هادی، مستوفی فر، فرزانه، قاچاق انسان، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک گروه پژوهش های فرهنگی و اجتماعی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۲۰۸
- ۲۴- شماره ۱۸۶ CETS
- ۲۵- مجمع عمومی قطعنامه ۴۴،۲۵ تاریخ ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ تصویب و در تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ اجرا گردید.
- ۲۶- اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا